

## لشکر خدا پیروز نهایی

حجت الاسلام والمسلمین سیدحسن موسوی الملکی \*

### اشاره

خداوند متعال در قرآن سنت‌های خویش را درباره عالم هستی بازگو می‌کند؛ سنت‌هایی از قبیل مبارزه با خرافه و مشکلات پیش‌روی مبارزه،<sup>۱</sup> مبارزه با توطئه‌گران<sup>۲</sup> و نابودی ظالمان<sup>۳</sup> جزء سنت‌های تغییرناپذیری است که در قرآن ذکر شده است. یکی از این سنت‌ها و قوانین ثابت عالم هستی، پیروزی پیروان حق و نابودی لشکریان باطل است. خداوند متعال در سوره «فتح» می‌فرماید: «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا \* سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»؛<sup>۴</sup> و اگر کافران با شما پیکار می‌کردند بزودی فرار می‌کردند، سپس ولی و یاورى نمی‌یافتند \* این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت». پیروزی جبهه حق، بر حقانیت «حق» بنا شده است؛ این عالم با حق بنا شده و بر حق استوار است. نوشتار پیش‌رو در راستای تبیین سنت پیروزی حق بر باطل و تحلیل گزاره «پیروز نهایی لشکر خداست» سامان یافته است و ضمن بررسی بنیادهای قرآنی این گزاره، شرایط تحقق این پیروزی را بازگو می‌کند.

### تقابل حق و باطل

در تقابل همیشگی حق و باطل، سنت الهی چنین رقم خورده است که حق همواره جوشش و بقا

---

\* دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم.

۱. احزاب: ۳۸.

۲. احزاب: ۶۲.

۳. فاطر: ۴۳؛ غافر: ۸۵.

۴. فتح: ۲۲-۲۳.

دارد و باطل چون کفی است بر سطح جریان حقیقت؛ پرسروصدا، فریبنده و موقت. قرآن کریم با دو تصویر ژرف، ماهیت این دو جریان را تبیین می‌کند: آب زلال که سرچشمه حیات است و در زمین می‌ماند، نماد حق است؛ کف‌های روی آب یا روی فلز مذاب که برآمده از ناخالصی‌هاست و به‌زودی پراکنده می‌شود، تمثیلی از باطل.<sup>۱</sup> باطل گاه چهره می‌نماید و جلوه‌ای لحظه‌ای پیدا می‌کند، اما نه ریشه دارد و نه توان ماندگاری. حق هرچند گاه در پس غوغای کف‌ها پنهان می‌شود، درنهایت جریان پایدار هستی از آن اوست. وعده الهی نیز همین را تضمین کرده است: «إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ»<sup>۲</sup> آنان یاری شده‌اند و بی‌گمان تنها سپاه ماست که پیروز است». سنت خدا بر این است که باطل رفتنی و حق ماندنی است؛ هر جا این دو رودرو شوند، سرانجام از آن سپاه خدا خواهد بود. اگر غم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد

من و ساقی به هم تازیم و بنیادش براندازیم<sup>۳</sup>

## بنیادهای قرآنی «پیروزی لشکر خدا»

### الف) مالکیت مطلق خدا

اصلی‌ترین بنیان پیروزی مؤمنان بر جبهه پُرمطراق باطل، مالکیت بی‌رقیب خداوند بر عالم هستی است. همه عالم «خلق و امر»، «مُلک و ملکوت» و هر آنچه بر تارکش مهر «وجود» خورده، ملک طلق خداوند هستی‌آفرین است: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ»<sup>۴</sup>. نه تنها خدا مالک تمام «مُلک‌ها» است، بلکه «ملکوت» همه چیز هم از آن اوست: «فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»<sup>۵</sup> منزّه است آن کسی که هستی هر چیزی به دست اوست و به سوی او بازگردانده می‌شوید». قرارگرفتن ملکوت و واقعیت هر چیزی در دست خداوند متعال، نشان‌دهنده تسلط مطلق خدا و نفی تسلط دیگران بر حقیقت هستی است.<sup>۶</sup> ازاین‌رو تمام

۱. برگرفته از آیه ۱۷ سوره رعد.

۲. صافات: ۱۷۲-۱۷۳.

۳. حافظ، غزلیات، غزل ۳۷۴.

۴. آل عمران: ۲۶.

۵. یس: ۸۳.

۶. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۷، ص ۱۱۶.

ملک‌ها و حکومت‌های ظاهری این جهان نیز در اختیار خداست و اوست که به هر کس بخواهد می‌دهد: «تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ»<sup>۱</sup> و از هر کس اراده کند، بازپس می‌گیرد: «تَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ»<sup>۲</sup>؛ همچنین هر کسی را بخواهد بر تخت عزت می‌نشانند و هر کس را اراده کند، بر خاک مذلت می‌کشاند: «نُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تَذِلُّ مَنْ تَشَاءُ»<sup>۳</sup>.

### ب) جهان، سپاه گسترده خدا

بر اساس بنیان پیش‌گفته که هستی ملک طلق خداوند هستی‌آفرین است، هر آنچه در آسمان و زمین است، از سنگ‌ریزه‌های ابابیل گرفته تا آسمان‌های هفت‌گانه، همه و همه سپاهیان ذات بی‌کران حضرت حق هستند: «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»؛ لشکریان آسمان‌ها و زمین فقط از آن خداست». همه اجزای بی‌نهایت عالم وجود، لشکر خداست؛ اگر ما بنده خدا باشیم، این لشکر می‌تواند به کمک ما بیاید؛ این از سنت‌های الهی و سنت‌های طبیعی است. البته فرماندهی این لشکر با ما نیست که هر وقت اراده کردیم، از این لشکر الهی استفاده کنیم؛ چراکه فرمانده خداست. اما این فرمانده، در شرایط خاص و با شرایط معین، وقتی که ما آماده باشیم، این را در اختیار ما می‌گذارد.<sup>۴</sup>

نمونه‌های این لشکریان را می‌توان در جنگ‌های پیامبر ﷺ با دشمنان ملاحظه کرد؛ «در جنگ بدر فرشتگان را به یاری مؤمنان فرستاد، در جنگ احزاب باد را مأمور هلاکت دشمن قرار داد؛ همچنین در جنگ بدر، باران را برای تثبیت گام‌های مسلمانان نازل کرد و در فتح مکه قبایلی از جمله قبیله بنی‌سلیم به یاری مسلمانان شتافتند»<sup>۵</sup>. تعداد لشکریان خداوند آن‌قدر زیاد و خارج از حد تصور است<sup>۶</sup> که خداوند متعال علم به تعداد آنها را خارج از قدرت بشر می‌داند و این علم فقط در انحصار خداست: «مَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ»<sup>۷</sup>. شمار سپاهیان پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند».

۱. آل عمران: ۲۶.

۲. آل عمران: ۲۶.

۳. آل عمران: ۲۶.

۴. فتح: ۷.

۵. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، «بیانات در دیدار بسیجیان»، ۱۴۰۳/۰۹/۰۵.

۶. محمد بن طاهر ابن‌عاشور، التحریر و التنویر، ج ۲۶، ص ۱۲۷.

۷. محمود بن عمر زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۶۵۳.

۸. مدثر: ۳۱.

### ج) شکست‌ناپذیری خدا

سومین عاملی که پیروزی لشکر خداوند را رقم می‌زند، شکست‌ناپذیری فرمانروای این لشکر است. خداوند سبحان خویش را در قرآن به «عَزِيزٌ حَكِيمٌ»<sup>۱</sup> توصیف کرده است. توصیف خداوند با صفت «عزیز» به ۹۹ بار در قرآن می‌رسد. عزیز یعنی «توانایی که هیچ‌کس بر او چیره نمی‌شود. همچنین گفته شده: او توانا و مقتدری است که هیچ کاری که بخواهد انجام دهد برای او ممتنع نمی‌گردد».<sup>۲</sup> خداوند سبحان «عَزِيزٌ» است؛ زیرا ذاتی است که هیچ چیز بر او از هیچ جهتی چیره نمی‌شود و او بر هر چیز از هر جهت چیره است. از این رو عزت منحصر در ذات اوست و نزد هیچ‌کس یافت نمی‌شود مگر به بخششی و افاضه‌ای از سوی او.<sup>۳</sup>

از سوی دیگر قرآن تصریح می‌کند که «عزت» با تمام ابعادش فقط برای خداست: «فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا»؛<sup>۴</sup> اما عزتی که دیگران دارند، عاریه‌ای بیش نیست.<sup>۵</sup> در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ أَنَا الْعَزِيزُ فَمَنْ أَرَادَ عِزَّ الدَّارَيْنِ فَلْيُطِيعِ الْعَزِيزَ»<sup>۶</sup> پروردگار شما همه روز می‌گوید منم عزیز و هر کس عزت دو جهان خواهد، باید اطاعت عزیز کند».

### د) خدا؛ یگانه ناصر و پشتیبان

بعد از اینکه روشن شد مالک مطلق خداست و تمام هستی در اختیار خداست و همه هستی، سپاهیان وی هستند و برای انحصار عزت در خدا، شکست و نابودی در کوی حضرتش راهی ندارد، این مطلب خودنمایی می‌کند که «نصرت» فقط در اختیار خداوند است و او یگانه ناصر و پشتیبان واقعی است: «وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»<sup>۷</sup> و پیروزی جز از نزد خدا نیست». اگر نصرت به کثرت عدد و قدرت و شوکت بود، مشرکان باید پیروز می‌شدند؛ اما نصرت واقعی از خداست و اسباب ظاهری فقط زمینه‌ساز اطمینان و آرامش دل مؤمنان است، نه عامل اصلی

۱. بقره: ۲۲۰.

۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۹۴.

۳. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۲، ص ۱۰.

۴. نساء: ۱۳۹.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۱۹۳.

۶. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۸، ص ۶۲۸.

۷. انفال: ۱۰.

پیروزی.<sup>۱</sup> در جنگ بدر با وجود جمعیت اندک مسلمانان و امکانات ناچیزشان و شوکت ظاهری مشرکان، نتیجه جنگ باورناپذیر بود؛ چراکه آن گروه اندک پیروز شدند. «خداوند می‌خواست مؤمنان در بدر، قدرت واقعی خود را که از خدا می‌گیرند با قدرت دشمنان مقایسه کنند و بدانند که نصرت فقط به اندازه اتصال قلب‌ها به قدرت خداوند است، نه به اسباب ظاهری».<sup>۲</sup> اگر این لشکر ما را ز چشم بد شکست افتد به امر شاه لشکرها از آن بالا فروآید<sup>۳</sup>

### هـ) مؤمنان زیر چتر ولایت خدا

از آنچه گذشت، روشن شد که نصرت و پیروزی فقط در اختیار خداست و پیروز واقعی هموست. خداوند متعال در قرآن کریم دو نوع ولایت را معرفی می‌کند؛ ولایت الله و ولایت شیطان. خداوند خویش را ولی و سرپرست مؤمنان معرفی می‌کند: «اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ»؛ خدا سرپرست مؤمنان است». در سوی دیگر نیز شیطان را سرپرست کافران و مشرکان معرفی می‌نماید: «إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ اللَّهِ»؛ آنها شیاطین را به جای خدا سرپرست خود انتخاب کردند».

خداوند متعال در آیه شریفه ولایت، ذات اقدس خود، پیامبر و ائمه را ولی و سرپرست مؤمنان معرفی می‌کند: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ»؛ سرپرست شما تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همان‌ها که نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع، زکات می‌دهند». بعد از اینکه در این آیه خداوند خود و پیامبر و ائمه را سرپرست مؤمنان معرفی کرد، در ادامه نتیجه این سرپرستی را پیروزی نهایی مؤمنان می‌داند: «وَ مَنْ يَقُولِ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»<sup>۴</sup> و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند؛ زیرا حزب و جمعیت خدا پیروز است». اطلاق آیه، دلیل بر پیروزی مطلق حزب الله در تمام جبهه‌هاست، مشروط بر اینکه

۱. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۹، ص ۲۱.

۲. محمد صادقی تهرانی، الفرقان، ج ۱۲، ص ۱۴۰.

۳. مولانا، دیوان شمس، غزل ۵۹۲.

۴. آل عمران: ۶۸.

۵. اعراف: ۳۰.

۶. مائده: ۵۵.

۷. همان.

شرایط ولایت الهی را داشته باشند. اگر این شرایط محقق شود، بی‌تردید در همه زمینه‌ها پیروز خواهند بود.<sup>۱</sup>

نقطه مقابل این پیروزی، شکست شیطان و انسانی‌هایی است که خود را زیر چتر ولایت ظلمانی شیطان محبوس کرده‌اند. آنها به کسی تکیه زده‌اند، با ظاهری شکست‌ناپذیر نمایان شده است؛ ولی در درون تهی است و گویی آنها بر باد تکیه کرده‌اند. خداوند سپاه شیطان و مرکز فرماندهی آن را این‌گونه ترسیم می‌کند: «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعُنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنْ أَوْهَنَ النُّيُوتِ لَبِثَتْ الْعُنْكَبُوتُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ»<sup>۲</sup> مثل کسانی که غیر از خدا را اولیای خود برگزیدند، مثل عنکبوت است که خانه‌ای برای خود انتخاب کرده است؛ درحالی‌که سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است اگر می‌دانستند». هرچقدر بنیان سپاه شیطان سست است، همان اندازه بنیان لشکر خدا مستحکم است: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوعٌ»<sup>۳</sup> خدا کسانی را دوست می‌دارد که در راهش صف کشیده جهاد می‌کنند، چنان‌که گویی آنان ساختمان محکم [سُربی] هستند». چه غم دیوارِ اُمت را که دارد چون تو پشتیبان

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح، کشتی‌بان<sup>۴</sup>

## شرایط تحقق پیروزی

### الف) ایمان و عمل صالح

اصلی‌ترین شرط در نزول نصرت الهی و در نتیجه پیروزی مسلمانان، ایمان به خدا و باور قلبی به وعده قادر متعال است. همچنین باید عمل صالح این ایمان را کامل کند. از این‌رو خداوند وعده پیروزی را فقط به صاحبان ایمان و عمل صالح، داده است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَءَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ»<sup>۵</sup> خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که به‌یقین آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد». وقتی انسان باور

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۴۳۴.

۲. عنکبوت: ۴۱.

۳. صف: ۴.

۴. سعدی، گلستان، دیباچه.

۵. نور: ۵۵.

قلبی داشت که تمام هستی زیر ولایت خداوند قرار دارد: «قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكُ الْمُلْكِ»<sup>۱</sup> و هر آنچه هست، شعاعی از نور تالو وجودی خداوند بی همتاست: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۲</sup>. در این حالت است که انسان زیر چتر ولایت تشریعی خداوند قرار می گیرد و نصرت که فقط در اختیار خداست، بر وی سرازیر می شود. آنچه در اینجا مهم است باور قلبی به این وعده صادق خداوند است که می فرماید: «كَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۳</sup> یاری مؤمنان، حقی بر عهده ماست». سرچشمه تخلف از وعده ها یا عجز است یا جهل یا پشیمانی که خداوند از آنها منزّه است: «لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ»<sup>۴</sup> خداوند از وعده اش تخلف نمی کند».

### ب) صبر و استقامت

در آیات متعددی تأکید شده است که یکی از شرائط اساسی در تحقق وعده نصرت خداوند متعال، صبر و استقامت مؤمنان است. از جمله این آیات عبارت است از: «بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ»<sup>۱</sup> آری، اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه هایی با خود دارند، مدد خواهد داد».

کسانی که در ابتدای راه با لشکر خداوند همگام شوند، کم نیستند و در طول تاریخ نمونه های فراوانی وجود دارد؛ از جمله بنی اسرائیل که در ابتدا پیرو دستورات حضرت موسی علیه السلام بودند، اما بعد از غیبت حضرت موسی، زرق و برق دنیا ایمانشان را ربود و گوساله پرست شدند یا بسیاری از لشکریان طالوت در ادامه راه خود را عاجز از مقابله با جالوت یافتند که در مقام اعتراض گفتند: «قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ»<sup>۲</sup> امروز ما توانایی مقابله با جالوت و سپاهیان او را نداریم». تنها کسانی که به وعده الهی تحقق داشتند، هنگام مشاهده سپاهیان جالوت از خداوند درخواست صبر و استقامت کردند: «وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ

۱. آل عمران: ۲۶.

۲. نور: ۳۵.

۳. روم: ۴۷.

۴. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۲، ص ۸۵؛ محسن قرآنی، تفسیر نور، ج ۷، ص ۱۸۰.

۵. روم: ۶.

۶. آل عمران: ۱۲۵.

۷. بقره: ۲۴۹.

ثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَ انْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ<sup>۱</sup> هنگامی که با جالوت و لشکریانش روبرو شدند، گفتند: پروردگار ما، شکیبایی را بر ما فرو ریز و گام‌های ما را استوار کن و ما را بر گروه کافران پیروزی بخش). همچنین در جنگ احد، سپاهیان اسلام جز اندکی به کوه و بیابان فرار نکردند. اما صبر به چه معناست؟ آیا صبر یعنی تعطیل کردن همه کارها و به انتظار رسیدن نصرت خداوند است؟ خیر «صبر به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و انتظارِ نتایج و حوادث را کشیدن نیست؛ صبر یعنی ایستادگی کردن، مقاومت کردن، محاسباتِ درست خود را و محاسباتِ دقیق خود را با خدعه‌گری دشمن تغییر ندادن؛ صبر یعنی پیگیریِ اهدافی که برای خودمان ترسیم کرده‌ایم؛ صبر یعنی با روحیه حرکت کردن و ادامه دادن؛ این معنای صبر است. اگر چنانچه این ثابت قدم بودن و مقاومت کردن، با عقل و تدبیر و مشورت همراه بشود، همچنان که در قرآن هست «أَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ»<sup>۲</sup> قطعاً پیروزی نصیب خواهد شد»<sup>۳</sup>. بنابراین صبر و استقامت نقش تعیین کننده‌ای در پیروزی دارد.

### ج) کمک به خدا (نصرت دین خدا)

خداوند کسانی را یاری می‌رساند که پای کار خدا بایستند و به اصطلاح قرآنی «خدا را کمک کنند». خداوند خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»<sup>۴</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد». مقصود از «نصرت خدا»، یاری دین او از طریق جهاد در راه حق و اعتلای کلمه توحید است، نه برای کسب غنیمت یا قدرت دنیوی.<sup>۵</sup> برخی از مفسران محدوده «نصرت خدا» را گسترده‌تر از جهاد گرفته‌اند و در این باره می‌نویسند: «تعبیر "نصرت خداوند" با وجود اینکه خدا از همه جهانیان بی‌نیاز است، به این دلیل آمده که شامل یاری هر آنچه به ایمان به خدا مرتبط می‌شود، در هر عرصه‌ای و در هر زمان و مکانی باشد، تا مؤمن همواره قیام‌کننده برای خدا باشد و در برابر هر فرد یا قدرتی آماده دفاع از حق باشد. درحقیقت پاداش هر نصرتی، نصرتی مانند آن است. پس هرگاه با تطبیق دین خدا بر خودت، خانواده‌ات، نزدیکانت و جامعه‌ات و

۱. همان، ۲۵۰.

۲. شوری: ۳۸.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، «سخنرانی نورزی خطاب به ملت ایران» ۱۳۹۹/۰۱/۰۳.

۴. محمد: ۷.

۵. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۸، ص ۲۲۹.

دفاع از آن در برابر دشمنان خدا، خدا را یاری کنی، خداوند نیز به همان نسبت تو را یاری می‌کند. اما اگر یاری تو محدود به برخی عرصه‌ها باشد، نباید انتظار یاری فراگیر داشته باشی».<sup>۱</sup>

### د) آمادگی دفاعی

با آنکه گفته شد نصرت و پیروزی حقیقی در اختیار خداوند است و هر کس را که بخواهد یاری می‌کند، اما این حقیقت هرگز به معنای ترک جهاد و چشم‌پوشی از آمادگی‌های دفاعی نیست. جهان بر مدار اسباب و مسببات سامان یافته و سنت جاری الهی نیز بر تحقق امور از طریق همین اسباب استوار است. با این حال، این نظم سبب‌محور به معنای واگذاری کامل کارها به اسباب نیست، بلکه خداوند «مُسَبَّبُ السَّبَابِ» است و اثرگذاری همه اسباب، در نهایت به اراده و ساحت قدسی او بازمی‌گردد. مسلمانان برای ایجاد بازدارندگی و ایجاد هراس در دل دشمنان، به گونه‌ای که آنان حتی اندیشه تجاوز به سرزمین‌های اسلامی را در ذهن نپرورانند، موظف‌اند به تجهیزاتی پیشرفته و کامل دست یابند؛ تجهیزاتی که یا برتر از توان نظامی دشمن باشد یا دست‌کم با آن برابری کند. همچنین لازم است به اندازه کافی نیروی رزمی کارآموده و آموزش‌دیده فراهم آورند تا در صورت لزوم آماده ورود به میدان باشند. بر همین اساس خداوند می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ»<sup>۲</sup> و هر چه در توان دارید، از نیرو و از اسب‌های آماده مهیا سازید؛ درحالی‌که بدان دشمن خدا و دشمنان را بترسانید».

### ه) توکل

مؤمن باید به این حقیقت توجه کند که نصرت و فتح فقط از جانب خدای متعال است و بس. بنابراین جنگجویان مؤمن و مسلمان با وجود استفاده از همه اسباب و وسایل مادی، نباید به آنها دل ببندند و گمان کنند که چون وسایل ظاهری و ابزار جنگی و نیروی فراوان دارند، به یقین بر دشمن پیروز می‌شوند؛ بلکه با وجود استفاده کامل از همه ابزار، وسایل و سلاح‌های جنگی، باید تنها و تنها خدای متعال را مؤثر حقیقی بدانند، به او توکل کنند و به لطف و عنایت و نصرت او اعتماد داشته باشند.<sup>۳</sup> در آیات متعددی خداوند مؤمنان را به توکل بر خداوند قادر متعال دستور داده است. اگر انسان به خدا توکل کند، در حقیقت خود را در زمره سپاهیان بی‌نهایت خدا قرار

۱. محمدتقی مدرسی، من هدی القرآن، ج ۱۳، ص ۲۱۷.

۲. انفال: ۶۰.

۳. محمدتقی مصباح، جنگ و جهاد، ص ۲۳۸.

داده است و تکیه بر کسی کرده است که وجود تمام عالم هستی از جمله وجود دشمنان شعاعی از وجود اوست. از این رو حضرت نوح علیه السلام در مواجهه با سرسختی قوم خود در پذیرش توحید، خود را به دامن خدا می‌اندازد و می‌فرماید: «يَا قَوْمِ إِنْ كُنْ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُونِ»<sup>۱</sup> ای قوم من، اگر جایگاه من و تذکرات من نسبت به آیات خدا بر شما گران است، پس من تنها بر خدا توکل می‌کنم. کار و فکرتان و شریک‌هایتان را جمع کنید؛ سپس کارتان بر شما هیچ پوشیده نماند، آن‌گاه به حیات من پایان دهید و مرا مهلت ندهید».

در جنگ حنین که از رخدادهای مهم صدر اسلام است، مسلمانان به دلیل غفلت از همین اصل بنیادین، آسیب سنگینی دیدند. آنان که بر فراوانی عده و عُدّه خویش تکیه کرده بودند و از مشاهده آن سپاه گسترده، شوقی همراه با غرور آنان را فراگرفته بود، با وجود آن ظاهر پرابهت و جمعیت انبوه، در نهایت طعم شکست را چشیدند. چشمشان به آن جمعیت بسیار گرم شد و همین اعتماد نابجا، آنها را از یاد خدا غافل کرد. این فزونی ظاهری، آنان را به اعجاب افکند، موجب سستی و بی‌خیالی‌شان شد، دشمن را کوچک شمردند و سرانجام شکست خوردند. به توکل ز دل بدر کرده نظر زهره و اتصال قمر<sup>۲</sup>

### (و) دعا و تضرع به درگاه خداوند

در نهایت آن چیزی که تمام این شرایط را تکمیل می‌کند و موجب سرازیر شدن نصرت الهی می‌شود، استغاثه به درگاه بی‌نیاز قادر مطلق است؛ «قُلْ مَا يَعْبُودُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ»<sup>۳</sup> اگر دعای شما نباشد، پروردگارم به شما بهایی نمی‌دهد». از این روست که خداوند تضرع و استغاثه مسلمانان در جنگ بدر را یادآور می‌شود و آن را دعای مستجاب‌شده می‌نامد: «إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَبَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ»<sup>۴</sup> یاد کن آن‌گاه را که از پروردگارتان فریادخواهی می‌کردید و به شما پاسخ داد که من با هزار فرشته پیاپی امدادگر شما خواهم بود».

۱. یونس: ۷۱.

۲. مسعود سعد سلمان، دیوان اشعار، قصاید، شماره ۱۳۲.

۳. فرقان: ۷۷.

۴. انفال: ۹.

### کتاب نامه

#### قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمد بن طاهر، التحرير و التنوير، ج ۱، بيروت: مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۲۰ ق.
۲. زمخشری، محمود، الكشف عن حقائق التنزيل و عيون الاقاويل في وجوه التاويل، ج ۳، بيروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ ق.
۳. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان في تفسير القرآن بالقرآن و السنة، ج ۲، قم: فرهنگ اسلامي، ۱۴۰۶ ق.
۴. طباطبائی، سيد محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، ج ۵، قم: نشر اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، ۱۴۱۷ ق.
۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، تحقيق: محمد جواد بلاغي، ج ۳، تهران: انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۶. فضل الله، سيد محمد حسين، تفسير من وحی القرآن، ج ۲، بيروت: دارالملاک للطباعة و النشر، ۱۴۱۹ ق.
۷. قرائتی، محسن، تفسير نور، ج ۱، تهران: مرکز فرهنگي درس هايي از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
۸. مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن، ج ۱، تهران: دارمحبی الحسين، ۱۴۱۹ ق.
۹. مصباح یزدی، محمد تقی، جنگ و جهاد در قرآن، تدوين: محمد حسين اسکندري و محمد مهدي نادري، ج ۲، قم: مؤسسه امام خميني علیه السلام، ۱۳۸۳ ش.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسير نمونه، ج ۱۰، تهران: دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۷۰ ش.